

اقتصاد صلح

" چگونه کاهش هزینههای دفاعی، در بلندمدت
موجبات پیشرفت را، فراهم خواهد ساخت. "

مترجم: رشید اصلانی

برنامه‌های مشخص نیست. توافقی اعلام نشده که منتظر اجرای آن باشیم، اما به هر حال جهان در انتظار است. با ملاقات جورج بوش و گورباچف در جزیره مدیترانه‌ای مالتا، فصل تازه‌ای در روابط غرب و شرق گشوده می‌شود. فریادهای آزادیخواهی در سرتاسر اروپای شرقی دیوارها و دولت‌ها را واژگون می‌کند. گلاسنووت و پروستریکای رهبر شوروی در داخل این کشور، گردبادی از تغییر را در خارج از آن برانگیخته است. این روزها، هر اتفاقی ممکن است بیفتد - و معمولاً هم می‌افتد.

اکنون، اهرقدرتها برای تشدید تحولات مجال دارند. هم اکنون، آنها به دنبال مذاکرات کنترل سلاحهای میانبرد، در حال کاستن از هزینههای نظامی و فرونشاندن تنشها هستند و مسلماً، تحولات اروپای شرقی بر سرعت کاهش هزینههای نظامی خواهد افزود. برعکس لیبیرالی شدن سریع روابط، به نظر می‌رسد که خطر پیمان ورشو بتدریج کمتر شده، و نقش ناتو هم ناگزیر به تغییر است. مفروضات ژئوپلیتیکی تقریباً " نیم قرن جنگ سرد به پیشگامی گراینده و احتمالاً " یک دوران خلع سلاح آغاز شده است.

اما آن قدر که اقتصادشناسی در بهر وجود آمدن چنین وضعی تأثیر داشته، صلح دوستی مؤثر نبوده است - و گورباچف، نخستین رهبری بود که منطق اقتصادی کاهش هزینههای دفاعی را پذیرفت. ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی برای دست یافتن به برتری نظامی سالها با هم رقابت کرده‌اند، اما دستاوردهای آن از این رقابت آن بوده است که بیفتند ژاپن - که فقط یک درصد از ستانده خود را خرج دفاع می‌کند - جایزه اقتصادی جهان را برده است. گورباچف، که تلاش سختی را علیه رکود اقتصادی کشورش آغاز کرده است، نوسیدانه در پی یافتن راهی است تا سهم ۱۶ درصدی هزینههای نظامی را در ستانده اتحاد جماهیر شوروی به درصد پایین‌تری تنزل دهد. بوش نیز، که هم با یک‌کسری بودجه درمان ناپذیر مواجه است و هم می‌خواهد رقابت اقتصادی فشرده خود را با کشور ژاپن ادامه دهد، مطمئناً خواهد توانست از پس اندازه‌هایی که در صورت کاهش هزینههای دفاعی ایجاد خواهد شد، استفاده کند. پل سامولسون، برنده جایزه نوبل می‌گوید: " این کار هم برای آنان خوب است و هم برای ما. در هر جامعه‌ای که خوب اداره می‌شود، هنوز انتخاب میان کره و تفنگ مطرح است. تنها در دوره‌های بی‌کاری شدید است که کشور از عهده مخارج هردو برمی‌آید. "

فرصتی برای جبران - صاحبان نظامی و حتی برخی پیمانکاران تولیدکننده سلاح برای باورند که، از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اواخر آن، احتمالاً "نرخ هزینه‌های نظامی در ایالات متحده، از ۶ درصد محصول ناخالص ملی به ۴ درصد، سقوط خواهد کرد. اگر چنین شود، هزینه‌های نظامی به پایین‌ترین سطح خود پس از جنگ جهانی دوم خواهد رسید و ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری به اقتصاد زمان صلح نزدیک خواهد شد. این احتمال نیز وجود دارد که کاهش هزینه‌های نظامی عمیقتر از حدی باشد که امروزه در واشنگتن برسر زبانهاست.

اقتصاد صلح ممکن است شکل متفاوتی داشته باشد. مصرف صرفه‌جویی حاصل از کاهش هزینه‌های بخش دفاع در سایر بخشها، می‌تواند قسمتی از ۱۵۰ میلیارد دلار کسری اجتناب‌ناپذیر بودجه را بپوشاند. و نرخهای بهره و تورم را کاهش دهد. این اثرها نیز به نوبه خود سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند و موجب رونق فعالیتهای خانه‌سازی می‌شود. در عین حال، بی‌تردید، بخشی از صرفه‌جوییهای حاصله معطوف به بخشهای زیربنایی و آموزش و پرورش شده، و افزایش بهره‌دهی در ایالات متحده را در پی خواهد داشت. به استناد محاسبات انجام شده به وسیله دری / مک گراهیل (DRI/McGraw-Hill) برای هفته‌نامه بیزینس ویک (Business Week)، که مبتنی برارقام کاهشهای موردبحث در هزینه‌های دفاعی است، محصول ناخالص ملی آمریکا تا پایان قرن حاضر می‌تواند حدود ۲۰ درصد سریعتر از حالتی که کاهش انجام نشده، رشد کند.

این کاهش در هزینه‌های نظامی، طرح توسعه نظامی ریگان در دهه ۱۹۸۰ را به‌کلی دگرگون می‌سازد. این بحث که آیا طرح توسعه نظامی مورد نظر ریگان برای کشاندن روسها برسر میز مذاکره شرط‌لازمی بود یا نه، می‌تواند بین صاحبان نظامی در زمینه‌های مربوط به استراتژی تا ابد ادامه یابد. اگر فرض را موقتاً بر آن بگیریم، هزینه‌های هنگفتی که در این مدت صرف شده، بهبود یافته است. اما آنچه مسلم است، در طی سالهای گسترش سلاحهای هسته‌ای و رقابت در ساختن و انبارکردن سلاحهای معمولی در کره زمین، هردو سوی قضیه بهای هنگفتی پرداخته‌اند.

هزینه‌های نظامی ایجاد اشتغال می‌کنند. بنابراین پژوهشهای انجام شده در زمینه اشتغال درلنسینگ میشیگان، هریک میلیارد دلار کاهش در مخارج پنتاگون ۳۸۰۰۰ نفر کارگر را در ایالات متحده بیکار می‌کند. اما این محاسبات یکسویه است و به خسارات ناشی از گسترش سلاح توجهی ندارد. هزینه‌های دفاعی، به سبب جذب استعدادهای فنی و نیروهای تحقیقاتی به بخش دفاع، موجبات کندی رشد و ترقی بلندمدت ایالات متحده را فراهم می‌کند. طرحهای عظیم دفاعی عامل اصلی کسری در بودجه‌های سالانه است و هزینه فرصت از دست رفته مصرف پول برای تولید اسلحه به جای مصرف آن در بخشهای آموزش و پرورش، تسهیلات زیربنایی و حفاظت از محیط زیست، بار سنگینی بر دوش جامعه است.

هیچ کس نمی‌داند کاهش هزینه‌های دفاعی چه میزان بوده و تا چه مدت ادامه خواهد یافت. ریچار.بی. چینی (Richard B. Cheney)، وزیر دفاع ایالات متحده، دستور داده است که کاهش

در حد ۱۸۰ میلیارد دلار برای سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل واقع شود. این رقم نشان دهنده کاهش در توسعه برنامه ریزی شده در بودجه بخش دفاع است. پیشنهادی که چینی مطرح کرده، به اندازه ۵۵٪ در حال در شرایط واقعی در تورم موثرتر است. اگر آن طور که تحلیلگران پیش بینی می کنند، در سال مالی ۱۹۹۱ نیز کاهش در همین حد باشد، بازیافت مخارج در دوره ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ به حدود ۶۰ میلیارد دلار (به قیمت ۱۹۸۹، یعنی ۲۰ درصد کاهش در شرایط واقعی) بالغ خواهد شد. به نظر می رسد اگر روابط کنونی شرق و غرب حفظ شده و ناگهان تغییر نکند، می توان انتظار داشت که مخارج جریانی منطقی بمانند.

اما، برخی از کارشناسان امور نظامی، این بحث را مطرح می کنند که کاهشها می تواند به مراتب عمیقتر باشد. یکی از مقامات ارشد موسسه بروکینگز (Brookings Institute) به نام ویلیام کافمن (William W. Kaufmann) برای کاهشهای وسیع در دهه ۱۹۹۰ طرحی ارائه داده است که بودجه پنتاگون را تا سال ۱۹۹۹، در شرایط واقعی تا ۵۰ درصد کاهش خواهد داد. کافمن که در گذشته مشاور معاون وزارت دفاع بوده است، می گوید این کاهش را می توان در صورت لزوم متوقف کرد یا حتی به افزایش تبدیل نمود. او در پیشنهاد خود، اقدام بزرگی مانند ۴۵ میلیارد دلار برای تولید جنگنده های تاکتیکی پیشرفته یا ۳۵ میلیارد دلار برای هواپیماهای جنگی را که طرح آن در حال حاضر در مرحله تحقیق و توسعه و آزمایش است، مطرح می سازد. وی همچنین پیشنهاد می کند که طرح سلاحهای هسته ای زمینی به تعویق بیفتد و طرح ۷۰ میلیارد دلاری نیروی هوایی برای ب-۲ یا همبافکن استلت (Stealth) از تعداد فعلی ۱۳۲ فروند به ۱۲ فروند کاهش پیدا کند.

خشنودی از صلح

مسکوت گذاشتن طرحهای بزرگ معمولاً از دیدگاه بودجه ای به صورت یک استراتژی سودمند دیده می شود. گرچه در حال حاضر این تعداد کارکنان است که احتمالاً نخستین آماج کاهشها خواهد بود. پس از عزیمت بوش به مالتا، پیشنهادهایی برای کاهشهای اساسی در ماه مه مطرح شد. طبق این پیشنهادها، نیروهای ایالات متحده و شوروی در اروپا به تعداد برابر یعنی هر کدام ۲۷۵۰۰۰ نفر می رسند. فعلاً حوادث اروپای شرقی این پیشنهادها را مسکوت گذاشته است. برای رسیدن به سطح مورد نظر، ایالات متحده و شوروی می بایست به ترتیب ۲۵۰ هزار نفر و تقریباً ده برابر آن را از اروپا خارج می کردند. ایالات متحده به صرفه جوییهای بیشتری در هزینه های دفاعی نیازمند است. هزینه های مستقیم و غیرمستقیم دفاع از اروپا تا ۶۰ درصد از بودجه دفاعی ایالات متحده را تشکیل می دهد.

با وجود خشنودی حاصل از احساس صلح و آرامش، گرفتن تصویب کنگره برای کاهشهای بزرگ در بخش دفاعی چندان آسان به نظر نمی رسد. بعدلایلی احتیاط شرط لازم است، زیرا به سود ایالات متحده خواهد بود اگر صبر کند و نتیجه کار گورباچف را در زمینه تغییر باورهای مردم شوروی مشاهده نماید. اگر احتمالاً "گورباچف موفق نشود و به نحوی از صحنه کنار رود، کاستن از هزینه های دفاعی در ایالات

متحده به معنی تضعیف این کشور است. از طرف دیگر، بسیاری از نمایندگان کنگره به قراردادهای نظامی به منزله طرحهای اشتغال می‌نگرند و اشتغال هدیه‌ای است که آنان به دهندگان خود وعده می‌دهند و حمایت نمایندگان سایر ایالات یا نواحی را جلب می‌نمایند.

در حقیقت، کنگره چنان کنترلی بر روی بودجه دفاعی اعمال می‌نماید که در مواردی، حتی وقتی پنتاگون سخت‌افزاری را نمی‌خواهد، ناچار به خرید آن می‌شود. اقدام "چینی" برای حذف پروژه هواپیمای اسپری وی-۲۲ (V-22 Osprey) و جنگنده اف-۱۴ دی گرومن (Grumman F-14 D) با مقاومت شدیدی روبرو شد. همچنین، پیشنهاد تعطیل پایگاهها نیز شدیداً مورد مخالفت قرار گرفت. آنچه مسلم است، این است که چنین پیشنهادهایی در آینده هم آسانتر از گذشته تصویب نخواهد شد. به قول یکی از سختگویان کنگره، "برخی از نمایندگان طرفدار یک قرارداد عمده دفاعی، سالها برای رشد بودجه دفاعی تقلا کرده‌اند و نمی‌توان به همین سادگی از آنها خواست که کنار بکشند و دست از گفته‌های خود بردارند".

این طور می‌نماید که هم دموکراتها و هم جمهوریخواهان شاهد کاهش هزینه‌هایی خواهند بود که تا چند ماه قبل حتی فکرش را هم نمی‌توانستند بکنند. در حالی که بسیاری از پیمانکاران نظامی در مورد زیاد بودن کاهشها تردید دارند، برخی خود را برای یک کاهش بزرگ در هزینه‌های دفاعی دولت فدرال آماده می‌سازند. جان دی. رتینهاوس (John D. Rittenhouse) معاون ارشد گروه فعالیتهای قضایی جنرال الکتریک می‌گوید که وی برای مدتی بیش از یک سال منتظر کاهشهای ۵ تا ۱۰ درصدی بوده‌است. وی در رابطه با پیشنهاد کاهش که از جانب "چینی" ارائه شده است، می‌گوید: "اینجا برای پیمانکاران علاقه‌مند به موضوع، خبر تازه‌ای نیست."

تورم کمتر

کاهشها هر اندازه که باشد، برای جامعه ایالات متحده، نرخ کمتر بهره و تورم، کسری کمتر در بودجه و رشد سریعتر به ارمغان خواهد آورد.

بیزینس ویک به منظور بررسی و اندازه‌گیری نتایج حاصل از کاهشهای هزینه‌های دفاعی، مؤسسه دری و مک‌گرو هیل را مأمور می‌کند تا نتایج کاهش در هزینه‌های دفاعی در یک دوره چهارساله از ۱۹۹۱ به بعد را با نرخ ۵ درصد مورد محاسبه قرار دهد. بنا بر محاسبات "دری"، این کاهشها در ۱۹۹۴ در مجموع به رقم ۶۰ میلیارد دلار به قیمت ثابت ۱۹۸۹ بالغ می‌گردد که بیش از کاهشهای مورد نظر "چینی" است. "دری" نتایج به دست آمده را با مبنای بلندمدت خود مقایسه نمود. مبنای مورد بحث، کاهش ملایمتری را در هزینه‌های دفاعی از سال ۱۹۹۲ پیش بینی می‌کرد که با متوسط رشد واقعی سالانه معادل ۱/۸ درصد دنبال می‌شد.

اگر کاهشهای ۵ درصدی سالانه پذیرفته‌شود، در اواسط دهه ۱۹۹۰، رقمی که در بخش دفاع هزینه

می‌شود معادل هزینه پوشاک مصرف‌کنندگان در ایالات متحده خواهد بود. بودجه دفاعی از $\frac{1}{3}$ هزینه‌های دفاعی دولت به $\frac{1}{6}$ آن تنزل پیدا می‌کند. در ۱۹۹۵، کسری بودجه به نصف تقلیل می‌یابد و روبه‌توازن پیش می‌رود. با کاهش کسری بودجه، نرخ بهره سقوط می‌کند، نرخ وجوه خزانه فدرال کاهش یافته و به $\frac{5}{5}$ می‌رسند.

با توجه به اثرات سودمند این قبیل کاهشها، "دری" این فرض را مطرح می‌سازد که اگر در سال ۱۹۹۸ بودجه به‌جای کسری مازاد داشته باشد، مازاد بودجه هم در بخشهای غیرنظامی به مصرف خواهد رسید. البته، این وضع ممکن است زودتر از ۱۹۹۸ هم پیش بیاید. به هر حال، هر زمان که چنین شود، هزینه‌های بیشتر دولت در بخشهای غیرنظامی، به‌عزای بیشتر از کاهش نرخ بهره باعث رونق اقتصاد خواهد شد. نتیجه نهایی آن، نرخ رشدی به‌عزای بیشتر است.

"دری" دریافت که با سناریوی کاهش ۵ درصدی در بخش دفاع و افزایش هزینه در بخشهای غیرنظامی در پایان دهه، اقتصاد پس از یک کاهش تا حد پایین‌تر از پیش‌بینی مبنای "دری" در اوایل دهه، سریعتر از مبنای سال ۱۹۹۵ رشد خواهد کرد. در سال ۱۹۹۹، محصول ناخالص ملی واقعی دارای نرخ رشدی معادل $\frac{2}{6}$ درصد خواهد بود که در مقایسه با نرخ $\frac{2}{1}$ درصد مبنای افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد.

مطالعات "دری" حاکی از آن است که کاهش هزینه‌های نظامی و کاهش نرخهای بهره، جان تازه‌ای به سرمایه‌گذاری در ایالات متحده می‌بخشد. از ۱۹۹۵ به بعد، کارخانه‌ها و تجهیزات با سرعت بیشتری افزایش خواهند یافت. توان رقابت بین‌المللی شرکت‌های ایالات متحده تقویت خواهد شد. لازم است یادآوری شود که در حال حاضر شرکت‌های آمریکایی با شرکت‌های ژاپنی و آلمان غربی، که سرمایه به‌عزای کمتری دارند، در رقابت هستند. و گزارش فدرال ریزوز نیویورک حاکی از آن است که شرکت‌های خارجی بعد از کاهش مالیات، رقم تاجیزی مانند ۲ درصد هزینه انتشار می‌پردازند. در حالی که این رقم در ایالات متحده ۶ درصد است.

در سال ۱۹۹۲، خانه‌سازی نیز در میان سایر فعالیت‌های غیرنظامی باید تقویت شود تا در سال ۲۰۰۰ و در شرایط اقتصاد صلح ۵۰۰۰۰۰ واحد خانه بیشتر تولید شده باشد. تقاضا برای اتومبیل و لوازم خانه افزایش پیدا می‌کند. صنعت ماشین‌ابزاری که به قراردادهای نظامی وابستگی زیاد ندارند، توسعه می‌یابد و به دلیل اینکه دولت فدرال به وام خارجی کمتری نیاز دارد، شکاف تجاری تنگتر می‌شود. در صورت کاهش هزینه‌های نظامی، شاخص پانصد سهمی معیار معیشت و معیار فقر تا پایان دهه ۱۹۹۰ نسبت به زمانی که کاهش در کار نیافتد به میزان ۱۵ درصد بالاتر خواهد بود.

به هر حال، مسیر اقتصاد صلح ممکن است سیر هواری نباشد. با متمرکز کردن قراردادهای دفاعی در تعداد نسبتاً اندکی از صنایع و مناطق، نبردهای اقتصادی متمرکز در یک محل سخت‌تر

خواهد بود. دو سوم پیمانهای تحقیق و توسعه و ۴۰ درصد قراردادهای استخدامی در ۱۵ مادرشهر متمرکز است، که لوس آنجلس بزرگترین آنهاست. آسیب پذیرترین صنایع، آنها هستند که با صنایع سازنده سلاحهای زمینی و صنایع فضایی مرتبطند. قراردادهای نظامی معادل ۳۴ درصد از کسب و کار سازندگان ابزارهای بصری را تشکیل می دهند و ۶۳ درصد از ستانده صنایع داخلی تجهیزات رادیو و تلویزیون در اختیار بخش نظامی قرار می گیرد.

جای نگرانی نیست؟

در حال حاضر، کاهشهای مورد نظر "چینی" موجبات نگرانی طرفهای قرارداد تولید سلاح و نیز مقامات دولتی را فراهم نساخته است. حتی مدیران آن دسته از شرکتهای پیمانکاری که قراردادهای آنان به شدیدترین وجهی به دلارهای دفاعی وابسته است، امیدوار به نظر می رسند. ویلیام اس. راس (William S. Ross)، مدیر شرکت هواپیماسازی ملدائل، کاهشها را حتی در حد پیشنهاد "چینی" هم باور ندارد. هربرت اف. راجرز (Herber F. Rogers)، رئیس مؤسسه جنرال دینامیکز، بر این باور است که شرکت تحت مدیریت وی می تواند ضربه های منفرد را به خوبی تحمل کند زیرا درگیر برنامه هایی است که تمام خدمات مربوط به نیروهای مسلح را شامل می شود. وی می گوید: "با کاهش یا رشد بودجه دفاعی، فعالیتهای خود را کاهش داده یا توسعه می دهیم. هرگز چنین نخواهد بود که با کاهش بودجه قادر به ادامه کار نباشیم"

واکنش تک تک شرکتهای هر چه باشد، رکود فعالیتهای صنعت در مجموع، تسریع می شود. براساس بررسی اخیر مرکز مطالعات استراتژیکی و بین المللی در واشنگتن، در سال ۱۹۸۲ بیش از ۱۳۸۰۰۰ شرکت، محصولات صنعتی خود را به پنتاگون عرضه می کردند. پنج سال بعد، این تعداد به کمتر از ۴۰۰۰۰ رسید. بررسی به این نتیجه رسید که بخشی از این کاهش معلول یک نظام تدارکاتی دفاعی "تقریبا" ناکارآمد بوده است. علاوه بر این، بخش دفاعی همیشه هم سودآور نبوده است. بازده صنایع دفاعی از ۴/۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳/۸ درصد در سال ۱۹۸۶ تنزل پیدا کرده است.

شرکتهایی که از هم اکنون خود را برای مواجهه با آینده مهیا می سازند، پس از لغو قراردادهای دفاعی هم به حیات خود ادامه خواهند داد. در سال ۱۹۸۶، پنجاه درصد فروش شرکت راکول (Rochwell) به بخش دفاع مربوط شد. امروز این نسبت به ۲۸ درصد می رسد و تا پایان سال به ۲۵ درصد خواهد رسید. دونالد آر. بیل (Donald R. Beall) مدیر اجرایی مؤسسه بین المللی راکول اظهار می دارد که شرکت وی در سال ۱۹۸۵ برنامه ریزی برای اتمام پروژه بمب افکن بی-یک در سال ۱۹۸۸ را آغاز نمود. راکول به نتایجی رسید که امروز ثمرات آن پدیدار شده است و در نتیجه دستیابی به این نتایج بود که به صنایع الکترونیکی غیردفاعی، تولید کامپیوتری و صنایع فضایی کشوری رو آورد.

شرکت هواپیماسازی بوئینگ در سیاتل به سبب افزایش عظیم تقاضا برای جت های مسافری شاهد تحولات شگرفی در داد و ستدهای خود بود. تحلیلگران انتظار دارند که فروش جت های تجاری بوئینگ

از ۶۲ درصد کل فروش شرکت در ۱۹۸۲ به ۷۵ درصد در ۱۹۹۱ برسد. کارخانه هلیکوپترسازی بوئینگ سیکورسکی (Sikorsky) نیز ۲۵ درصد درآمد خود را از فروشهای خارجی تأمین می‌کند. در سال ۱۹۸۴، این نسبت چیزی بیش از ۶ درصد بود.

کابوس مضاعف

اما ضمن اینکه هر یک از شرکتها ممکن است به تنهایی قادر به حفظ حیات خود باشند، مناطق صنعتی ممکن است وضع بدتری داشته باشند. به عنوان مثال، در سان‌جوست، درآمدهای حاصل از بخش دفاع از ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ معادل ۱۷ درصد سقوط کرده است. طبق محاسبات "دری"، ممکن است در نیوانگلند، در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۱۰۰۰ شغل در اثر کاهش هزینه‌های دفاعی تعطیل شود. کند شدن حرکت در بخش دفاع، بعد از کاهش استفاده از کامپیوتر، برای این ایالت به مثابه دردسر مضاعف است.

حتی، کالیفرنیا، جنوبی، که اقتصادی مستقل دارد، قادر نخواهد بود که از وارد شدن ضربه‌ها اقتصادش جلوگیری کند. دیوید هنسلی (David Hensley)، از پژوهشگران پروژه "پیش‌بینی‌های کسب و کار" دانشگاه یو.سی.ال.ا. عقیده دارد: "این ضربه حتماً به وسیله اقتصاد محلی احساس خواهد شد، اما آن را به رکود نخواهد کشاند." در مناطقی که جنگ ویتنام در اوج خود بود، مشاغل مرتبط با هواپیماسازی و تولید موشک معادل ۴/۴ درصد از مجموع مشاغل را تشکیل می‌داد، اما در سال ۱۹۸۷، یعنی سالی که هزینه‌های نظامی دولت ریگان به حد اکثر خود رسید، تنها ۲/۲ نیروی کار ایالت را جذب کرده بود.

مقامات شهرک اورنج (Orange County) در فوریه امسال قرار ملاقاتی با پیمانکاران محلی دارند تا برای بیکاریهای احتمالی منتج از کاهش هزینه‌های نظامی به وسیله کارفرمایانی مانند نورثروپ (Northrop) چاره‌ای بیندیشند. لاری آگران (Lorry Agron) شهردار شهر اروین (Brvine) می‌گوید: "ما نمی‌خواهیم ببینیم مردم شغل خود را از دست می‌دهند یا اینکه استعدادهای علمی که در حال حاضر در خدمت نظام است، از دست برود." در ژانویه، ریچارد اف. سلست (Richard F. Celeste)، فرماندار اوهایو - ایالتی که در سطح ملی از نظر قراردادهای نظامی در ردیف هشتم قرار دارد و حدود ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت آن روی قراردادهای دفاعی کار می‌کنند - پیمانکاران جزء را گرد می‌آورد تا با آنان درباره چگونگی تطبیق وضع خود با یک کاهش بزرگ در هزینه‌های نظامی گفتگو کند.

تعطیل شدن پایگاههای نظامی برای شهرها و اجتماعات کوچک وضع دشواری پیش می‌آورد، هر چند ممکن است در مواردی با موفقیتهایی هم مقرون بشود. بخشی از پایگاه هوایی استیوارت، در نیوهرگ (New burgh) ایالت نیویورک، تغییر داده شده، و هم اکنون از آن بهره‌برداری غیرنظامی می‌شود. خطوط هوایی آمریکا از سال آینده خدمات خود را از پایگاه استیوارت عرضه خواهند کرد. برخی از پایگاهها مانند پرزیدو (Presidio) در سانفرانسیسکو امکان تغییر و تبدیل نامحدودی

دارند. این پایگاه منظره جالبی از پل گلدن گیت دارد و دارای ۱۴۴۰ هکتار زمین و مستغلات در محوطه‌های جنگلکاری شده است. از ۸۰۰ بنای موجود در داخل پایگاه، ۴۰۰ ساختمان به عنوان بناهای تاریخی حفظ می‌شود. طرحی در دست تهیه است تا آینده پرزیدو را تعیین کند. آنچه به طور جدی مورد توجه قرار گرفته، تبدیل این پایگاه به یک مرکز آموزشی یا محلی برای برگزاری کنفرانسها است.

سازش‌پذیری

اخیراً "مقامات محلی، به فکر افتاده‌اند که خود را برای زمانی که کاهش هزینه‌های نظامی بر نظام پرداختهای محلی اثر می‌گذارد، آماده کنند. برخی امیدوارند دولت فدرال به یاری آنان بشتابد. در کنگره، دو لایحه در زمینه تغییر شکل فعالیتهای اقتصادی مورد بررسی است. در این لوایح، مکانیزمهایی برای کمک به جوامع محلی ارائه شده است. از جمله موارد مورد نظر، کمک به برنامه‌ریزی، پرداختهای ویژه زمان بیکاری و بازآموزی افراد است. رهبر اکثریت مجلس نمایندگان، ریچارد ا. جفارد (Richard A. Gephardt) و رهبر اکثریت مجلس سنا جورج جی. میچل (George J. Mitchell) از این لوایح حمایت می‌کنند. سیمور ملمان (Seymour Melman)، عضو کمیسیون ملی و غیرتسلیماتی کردن و تبدیل فعالیت اقتصادی (National Commission for Economic Conversion & Disarmament) در واشنگتن می‌گوید که بدون این گونه برنامه‌ریزی، وقتی مناطقی که به قراردادهای نظامی متکی هستند، این قراردادها را از دست بدهند، با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد.

مسئله اصلی برای شرکتها و جوامع محلی سازش‌پذیری است. جان ام. کوچارسکی (John M. Kucharski) مدیر یکی از موسسات بزرگ در ماساچوست این سوال را مطرح می‌کند که آیا در صورت کاهش عمده در بودجه دفاعی، پول آن در بخش عمومی می‌ماند؟ اعتقاد من بر این است که می‌ماند. در چنین صورتی است که دولت فدرال هزینه بیشتری را صرف تسهیلات زیربنایی و محیط زیست خواهد نمود و برای موسسات فرصتی پیش خواهد آمد تا مسیر کاری خود را تغییر دهند.

در مورد تقاضا برای جاده و فرودگاه جای تردیدی نیست. براساس یک پژوهش انجام شده توسط دفتر بودجه کنگره، ایالات متحده هر سال در بخش هزینه‌های حمل و نقل، امور زیربنایی و تصفیه آب در حدود ۱۵ میلیارد دلار کسری دارد. محاسبات دیگر، کسری سالانه بخش زیربنایی در سطح ملی را حدود یکصد میلیارد دلار برآورد می‌کند.

اما حتی اگر ایالات متحده می‌خواست سالی فقط ۱۵ میلیارد دلار بیشتر از حالا در بخش زیربنایی سرمایه‌گذاری کند باز هم ممکن بود نتایج بزرگی به بار بیاید. یکی از مقامات بانک فدرال ریزروز در شیکاگو عقیده دارد که افزایش سطح مخارج در تسهیلات زیربنایی مهم - خدمات عام المنفعه، جاده، راه آهن، فرودگاه - می‌تواند نرخ بهره‌دهی را در حدود ۳ درصد افزایش دهد.

هنوز کسی نمی‌داند که صرفه‌جوییهای حاصل از کاهش هزینه‌های دفاعی در سال آینده تخصیص

داده خواهد شد. از نظر دموکراتها پول جدید به معنای فرصتی برای تغییر مسیر منابع به سایر سرمایه‌گذارها در زمینه سرمایه انسانی است. برای جمهوریخواهان این امر به منزله کاهش کسری بودجه و کمک به پرهیز از افزایش مالیاتهاست. مطمئناً "بحث وجدل بر سر اینکه این صرفه‌جوییها چقدر خواهد بود و پولش کجا خرج خواهد شد، سالها طول خواهد کشید، اما رهبران امریکا فرصتی یافته‌اند که به ایالات متحده و بقیه جهان نشان بدهند که سیاست صلح می‌تواند سیاست نیکبختی باشد.

منتشر می‌شود

اشتغال، توزیع درآمد

و

استراتژی توسعه

رتال (مجموعه مقالات)

نویسندگان: هانس سینگر، یان تین برگن، آرتور لوئیس و ...

مترجم: عزیز کیاوند